

کتابهای

۱۲

چه باید کرد؟

❖ چرا واژه‌ها را از دیگران قرض کنیم؟
❖ چرا با مکتب‌های شکست خورده همگام شویم

* * *

سیستم اقتصاد اسلامی در یک نکته، ویژگی خاصی دارد که در سرمایه‌داری یا سوسیالیسم آنرا نخواهیم دید و آن اصل اشباع نیازهای روحی افراد و مردم است. چرا که هر نوع معامله‌ای و هر نوع اتفاق و پرداخت مالیاتی، از دیدگاه یک مسلمان، نوعی عبادت است، پس فرد مسلمان در هر کاری طرف حساب خود را، خدا می‌بیند و این همواره او را در انجام کار نیک و انسانی تشویق می‌کند. این نکته اساسی، روش اقتصاد اسلامی را آنچنان برتری می‌بخشد که در هیچ نظامی مشابه آن دیده نمی‌شود.

در نظام اسلامی، حاکم که منبعث از خلق است، قبل از وجدان و نظارت خلق، خدا را ناظر کارهای خود می‌بیند و این امر هم با او امکان می‌دهد که به خلق ستم روا ندارد و هم خلق را آنچنان تربیت می‌کند که نیازی به نظارت مأمورین مالیات احساس نمی‌کند. (۱).

(۱) پرداخت وجوهات شرعیه در شیعه و زکات در میان برادران سنی، از طرف خود مردم، و بدون هیچگونه نظارت یا درخواستی، می‌تواند نمونه‌ای از تجلی این نظارت الهی یا درونی را نشان دهد.

این چنین اشباع روحی و معنوی، جامعه را از بوجی و پستی نجات می‌دهد و ما در جامعه اسلامی شاهد حوادثی که همه روزه در جوامع غربی یا سوسیالیستی با اصطلاح مرغه می‌بینیم، نخواهیم بود. علت این امر بسیار روشن است. در جوامع غربی مرغه و جوامع مدعی برقراری توازن، فقط ممکن است شکم و غوائل انسان اشباع گردد، ولی از اشباع روح و درون خبری نیست و همین امر، عامل پیدایش حوادث غم‌انگیز شرق و غرب می‌گردد.

اصولا در جوامع اسلامی چون هر عمل صالح و نیک و مفیدی بعنوان خلق ولی برای خدا، انجام می‌یابد، انسان احساس آرامش روحی می‌کند و داوطلبانه بدنبال انجام کارهای بیشتر و سودمندتر می‌رود. در واقع می‌توان گفت که يك عمل صالح، برای خدا و خلق، در آن واحد، يك عمل مسادی و معنوی - هر دو - است. در این زمینه زوایات و احادیث زیادی وارد است که از نقل آنها، برای آنکه سخن بدرازا نکشد، خودداری کردید.

و یادآوری این نکته هم ضروری است که مال و ثروت از نظر اسلام، هدف نهائی و ذاتی نیست، بلکه بمثابة وسیله‌ای برای عمل صالح و کار نیک باید مورد استفاده قرار گیرد، در صورتیکه مال و ثروت از دیدگاه‌های سرمایه‌داری و کمونیستی خود هدف نهائی است و بعنوان وسیله‌ای برای سیطره‌جویی و پیروزی بکار می‌رود که سرانجام هم جز تباهی و فساد چیز دیگری نصیب ملتها نمی‌کند، چنانکه آزمایش‌های روزمره جهان امروز، شاهد صدق ادعای ما است.

در مکتب ما، برنامه چنین است: «واتبغ فیما اتاک الله الدار الاخرة» - در آنچه که خدا بشما داده است، خانه آخرت را بچوئید - و این برنامه هرگونه کاری را در راه آبادی، پیشرفت و توسعه، کاری مشابه نماز و روزه قرار می‌دهد که هدف غائی آن آخرت و رضای حق است.

ثروت مندی که مال خود را در راه منافع توده خرج نمی‌کند، در مکتب ما بمثابة يك کافر است: «ارایت الذی یکذب بالدين فذلک الذی یدع الیتیم ولا یحض علی طعام المسکین» (۲) - مگر آنرا که تکذیب جزا می‌کند، ندیدی؟ همانکه یتیم را بعنف براند و به غذا دادن نیازمند ترغیب نکند... یعنی کسیکه به نیازمندان جامعه نرسد، مانند کسانیست که ایمان به خداوند و روز جزا ندارند...

بطور کلی اگر ما بتوانیم نقشه و طرح اقتصادی خود را با این روح دینی و بمثابة يك

(۲) سورة الماعون، آیه ۱-۳

عبادت پیاده کنیم، چیزی نمی گذرد که ما می توانیم در سطح جهانی معجزه گرباشیم. ما از نقطه نظر اقتصادی دارای آنچنان ثروتی هستیم که غرب سرمایه دار، آنرا ندارد... در کجای جهان نفت و آهن و ذغال سنگ و مس و طلا و اورانیوم، باضافه محصولات کشاورزی و ثروت دامداری و ماهی و نیروی انسانی لازم، یکجا وجود دارد؟ شما امکانات نفتی سعودی و کویت و دیگر سرزمینهای نفت خیز اسلامی را با امکانات کشاورزی و انسانی مصر و سودان و شمال آفریقا و پاکستان و افغانستان و.. بحساب بیاورید و به بینید اگر بین آنها پیوند و همبستگی اسلامی باشد و حکومتهای صالحی روی کار باشند، چگونه می توان معجزه کرد. هر استان سودان به تنهایی باندازه مساحت فرانسه است و بسیاری از میوه های محلی در آنجا مانند موز، آندرت روی درخت می ماند که می کنند و فرو می ریزد...؟

در دنیایی که بازار مشترک اروپا و بازار مشترک سوسیالیستی بوجود می آید، در جهان اسلام با این همه امکانات مالی، جغرافیائی، انسانی، چرا بفریک طرح کامل و جامع در زمینه بازار مشترک اسلامی نباشیم و ثروت ما را همچنان دیگران بغارت ببرند...؟

«ژاک اوستر» استاد اقتصاد در فرانسه می گوید: «راه رشد و توسعه در سرمایه داری یا سوسیالیسم پایان نمی پذیرد. بنظر من یک اقتصاد سالم اسلامی - با توجه با امکانات مسلمانان می تواند یک زندگی کاملی را که دارای همه مزایای زندگی سالم انسانی باشد بوجود بیاورد» پس ما اگر یک برنامه کامل اسلامی را با استفاده از اصول علمی ارزشمند اقتصاد اسلامی پیاده کنیم، از هر گونه شکستی در امان خواهیم بود.

اقتصاد اسلامی چنانکه اشاره کردیم، بما امکان بهره گیری از همه مزیت های سرمایه داری و سوسیالیسم را می دهد و علاوه بر آنها، آنچنان از نظر روحی و معنوی ما را اشباع می کند که همواره در آرامش واقعی باشیم و در عین حال، از همه اشتباهات و مفاسدی که در کمین ماست دور بمانیم و با پیروی از افکار وارده از غرب یا شرق، از سنت های اصیل و انسانی خود دور نشویم و بتوانیم خویشتن خویش را حفظ کنیم.

کوششهایی که افرادی مانند «مارکسیم رودنسون» یا «ژرودی» برای ایجاد همبستگی بین اسلام و مارکسیسم بعمل می آورند، یک نوع «تلفیق» ناشیانه ایست که انگیزه های پشت پرده آن بر ما روشن نیست! کوچکترین مطلبی که می توانیم بگوئیم اینست که این امر، کوششی تازه برای ترویج مارکسیسم در کشورهای اسلامی است که تا امروز تبلیغ آن با شکست روبرو شده است.

همه میدانیم که مارکسیسم در کشورهای اسلامی با اعلان جنگ به مذهب وارد میدان شد، ولی وقتی که شکست خورد، اعلام آتش بس نمود و از بیروان خود خواست که با اسلام حمله نکنند و با اصطلاح به جنبه های مترقی آن تکیه کنند! تا بلکه بتوانند یک نوع

همبستگی بین مردم مسلمان و مارکسیست‌ها بوجود آورند... ولی مسلمانان آگاه و متمهد بخوبی میدانند که هرگونه برنامه «اسلامومارکسیسم» ایک نیرنگ ماکیاولیستی برای نفوذ در قلب بلاد اسلامی است... مارکسیست‌هایی که در یک دست کتاب مارکس و در دست دیگر تسبیح بدست گرفته‌اند و برای اغفال جوانان ما، دم‌از «هدف مشترک» و لزوم تشکیل «جبهه واحد» می‌زنند یا خود را فریب می‌دهند یا ما را، و یا افرادی هستند که ماهیت مارکسیسم و اسلام را درک نکرده‌اند و یا آنکه دچار نوعی بیماری فکری شده‌اند که باید برای درمان خود و رهائی از این تناقض اندیشی، به متخصص امراض روانی مراجعه کنند!

ما هرگز دلیل و مجوزی برای این بهم‌آمیختگی و تلفیق نمی‌بینیم، ما هرگز ضربه‌هائی را که مارکسیست‌ها در همه کشورهای اسلامی، بر نهضت‌های اسلامی زده‌اند و حتی در این راه از همکاری و ذی‌لانه با رژیم‌های ارتجاعی ضد اسلامی خودداری نورزیده‌اند، فراموش نمی‌کنیم، ما هرگز کسانی را که در بهرانی‌ترین شرایط مبارزات ملل ما، از پشت برما خنجر زده‌اند که هنوز خون از آن زخم‌ها می‌چکد، نمی‌بخشیم، چه رسد به همکاری و تشکیل جبهه واحد! که بدون تردید فقط می‌تواند بلی باشد برای عبور حضرات از روی آن بسوی پیروزی نهائی خود...

اصولا ما مگر چه کمبودی داریم که بی‌اینهم با همکاران عملی دیروز نظام‌های فاسد بلاد اسلامی و دشمنان دیرینه خود متحد شویم؟ چرا با فطرت خود مبارزه کنیم؟ و چرا طبیعت و خصصیت‌های اخلاقی و مکتب‌آسان و ساده و انسانی خود را رها سازیم و پیروزیها و دست‌آوردهای خود را بانام اصلی آنها، نامگذاری نکنیم؟

چرا آنها: عدالت اسلامی، نظام اسلامی، حکومت اسلامی و اقتصاد اسلامی نام نگذاریم و نام سوسیالیسم یا نام دیگری را از دیگران قرض کنیم؟ چیزی که اصول آن در متن کتابهای خودمان هم اکنون وجود دارد و می‌تواند مولود طبیعی مکتب خودمان باشد، چرا آنها بانام مشروع و صحیح خود نام نگذاریم؟

ما اگر به اسلام راستین روی آوریم، می‌توانیم استقلال و شخصیت خود را حفظ کنیم و به راه‌حلهائی در مقابل مشکلات برسیم که به روح ما و عواطف ما و خویشن خویش ما، نزدیکتر است.

این راهگشائی بسوی نظامی است که خواستار برقراری عدالت اجتماعی برای کارگر و کشاورز برای فرهنگی و دولتی و هراسانی است که در مجتمع اسلامی زندگی میکند و اصول این یک نوع شناخت مجدد خویشن است. میلاد شخصیت اسلامی ما، بهره‌گیری از قدرت مافوق تصوریست که انفجار آن نیرومندتر از انفجار اتمی می‌تواند باشد. آری،

نهضتی که شرق و غرب از آن می‌ترسند و نامش « نهضت اسلامی » است. ولی این اسلام نه تنها ما را از بهره‌گیری از تجربه‌ها و علوم دیگران باز نمی‌دارد، بلکه ما را تشویق می‌کند که بدنبال آن برویم، اگرچه در چین باشد.

اسلام ما، آسان و ساده و مطابق هر زمان و مکانی است... بشر دوست و پیام‌آور برادری جهانی است. همه نژادهای بشری را اعم از سیاه، سفید، سرخ، و زرد، از یک خانواده می‌داند.

اسلام ما از سلمان فارسی و صهیب رومی و بلال حبشی برادرانی ساخت که همه با هم چون صف واحدی در راه حق می‌جنگیدند. آیا پیامبر نفرمود که سلمان از خاندان ما است؟ در حالیکه او از نژاد ایرانی بود. راستی چرا از اسلام می‌ترسند؟ آیا آنها خواستار راه رهایی بشریت نیستند و همچنان منافع خاص خود را می‌جویند؟

تجربه و آزمایش، بخوبی می‌تواند اصالت مکتب ما را بر همه جهانیان ثابت کند ولی طبیعی است کسانی که منافع پست مادی خود را در خطر می‌بینند، از اجرای اصول این مکتب انسان‌ساز، تا آنجا که می‌توانند، جلوگیری کنند... و این برعهده ما است که هرگونه مانعی را از سر راه خود برداریم و به « نهضت اسلامی » خود تا پیروزی کامل ادامه دهیم. بامید آروز.

پایان

